بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد واله واصحابه اجمعین اما بعد این رساله ایست مختصر و مضبوط
در شناختن درجه دوای مرکب بدانکه مقادیر ادویه مرکب اگر متساوی است پس در الستین درجه ارشن دو موخر یا این
طریق نوشته که اجزای حاره و بارده مفردات را جمع کنند و اقل را از اکثر اسقاط کنند آنچه باقی ماند خمس آن از کم و بیش
عدد ادویه بگیرند پس آن درجه مرکب باشد و در استعمال لفظ خمس مجاز راه یافته است چه خمس نیمی مماثل در اسم است
یعنی نیم نام و ابهام او کبیر است پس نصف سمی اثنین باشد و ربع سمی اربع وعلی هذا القیاس حاصل آنکه بعد از اسقاط
اقل از اکثر باقی را بر عدد ادویه قسمت کنند اگر باقی اکثر باشد از عدد ادویه والا نسبت نمایند مثلا دوایی است
که مرکب است از حار در درجه دوم و از حار در درجه اولی پس در اول اجزای حار سه باشند و در دوم دو اجزای
بارد در هر یک جزو یکی بشود پس اجزای حار پنج است و بارد دو و دو را از پنج اسقاط کردیم سه باقی ماند سه را بر عدد
ادویه که دو است قسمت کردیم خارج قسمت یک صحیح و نصف شد پس مرکب در یک و نیم درجه حار باشد و اگر
دوایی از حار در درجه دوم و از بارد در درجه اولی مرکب باشد در این صورت بعد نقصان کردن کمتر از بیشتر
یک درجه حار باقی ماند چون باقی از عدد ادویه کمتر است بعدد ادویه نسبت دادیم بدین صورت $\frac{1}{2}$
پس معلوم شد که ترکیب حار است در نصف درجه اولی و اگر مقادیر ادویه مرکب متساوی نباشند در الستین درجه
ارشن در کتاب مذکور بدین طور مذکور است که از اعظم مساوی اصغر بگیرند و درجه آن را بطریق گذشته معلوم
کنند و باقی اگر مساوی اصغر باشد باز همین بگیرند و درجه مجموع معلوم نمایند و اگر باقی کمتر مانده باشد از مرکب
مساوی باقی بگیرند و درجه معلوم کنند باز این باقی و دوم اگر مساوی مرکب دوم باشد هر دو را جمع کنند
و درجه مجموع دریابند و اگر این باقی نیز کمتر ماند باز از اکثر مساوی اقل بگیرند و عمل بر کرده باشند تا آنکه جمیع
ادویه مختلف المقادیر قریب مقدار واحد در کیفیت گردند و هر قدر که عمل زیاده خواهد شد قریب از دریاد
خواهد یافت و این طریق تقریبی است نه تحقیقی لیکن ضرری بحال طبیعت نمی رساند و بر آنکه اطبا اکتفا میکنند
و در الستین فوائد ادویه ... اختلاف آورده اند ... چنانچه در شرح که ... است
با قرابادین است مسطور است اما مخفی نماند که استخراج درجه مرکب بدین طریق خیلی دور و دراز نموده اند
پس در وقتی که فرصت اندک باشد استخراج درجه بدین طریق نتوانند شد مگر بتحمل ... و درجه که تحصیل ... حاصل
شود بعید تر خواهد بود و دنبال این طریق بجهت اطالت ترک کردیم اگر خواهی در شرح اقسرائی ببین که
درج است و در اینجا طریق دیگر از بعضی حذاق منقول کرده است و با ترجمه عبارتش می نویسیم که گفته است که اگر

اراده کنی تو تحقیق را درین مقام پس لازم کیر طریق دیگر را که سلوک کرده است انرا بعضی حذاق و ان این است
که فرض کرده شود دوا را اعظم ادویه متعدده بحسب مقدار اصغر پس مرکب از دو دوا که یکی بوزن یکدرم باشد
و دیگری بوزن دو درم گردانیده شود مرکب از سه دوا که هر واحد از ان سه بوزن یکدرم باشد و درین حال استخراج
کرده شود درجه مرکب درین هنگام بطریق که مذکور شد در قسم اول این است ترجمه عبارت شرح و الحق که این
طریق تحقیقی است و در زمان اندک استخراج درجه مرکب باین طریق می توانم کرد لیکن میدانم که در استخراج درجه
باین طریق کسانیکه به حذاقت نظر موصوف نباشند خطا خواهند کرد چه هرگاه دو دوای مذکور که یکی یکدرم
است و دیگری دو درم فرض کردیم که هر یکی در درجه سیوم حار است پس عمل کردیم باین طریق و اعتبار کردیم
ان دو را سه و از مجموعه درجات هر دو که شش است جز وی بهمی سه ادویه که ثلث باشد گرفتیم یعنی شش را
بر سه قسمت کردیم خارج قسمت دو شد پس لازم می آید که مرکب در درجه دوم حار بود و این غلط است
چرا که این مرکب در درجه سیوم حار است زیرا که هر دو دوا که سه اعتبار کرده شده در سیوم درجه حار اند
و در شرح اقسرائی گفته است که کم المیس و بیش لا موجب ازدیاد الدرجة و هرگاه که کم بیش نا دیش موجب
ازدیاد درجه نباشد پس موجب انتقاص درجه چگونه بود پس استخراج درجه باین طریق بر این وجه است
که هر دوا که افزاد دو دوا اعتبار کنند درجه او را دو چند باید کرد یعنی در دو ضرب باید کرد و ان را
که سه دوا فرض کنند درجه او را در سه ضرب باید کرد و انگاه مجموع درجات را جمع کرده جزوی از جمیع
سمی عدد ادویه اخذ باید کرد یعنی مجموع درجات را بر مجموع عدد ادویه قسمت باید کرد پس دوائی
که او را دو اعتبار کردند درجات او شش باشند و مجموع درجات نه امد و خارج قسمت بر سه سه شد
و هو الحق و یک طریق حقیر استنباط کرده است که جامع هر دو مرکب است ازین یک طریق هم درجه ان
مرکب که ادویه او متساوی الوزن باشند و هم درجه ان مرکب که ادویه ایش مختلف الوزن باشند
استخراج می توان کرد و درین طریق تحقیق است نه تقریب است و ان این است که اوزان ادویه را
جای ثبت نمایند و بر فوق هر دو ادرجه ایش مرقوم سازند و رقوم تحتیانیه را در فوقانیه ضرب
کنند و مجموع حاصلات ضرب را بر مجموع اوزان قسمت کنند خارج قسمت درجه مرکب باشد مثلا مرکبی
است که یک دوای او در درجه دوم حار است و دیگری در درجه سیوم و دیگری در درجه چهارم
و وزن هر یک دو درم نوشتیم بدین صورت و ضرب کردیم دو را در دو چهار شد و باز دو را در سه

٤	٣	٢
٢	٢	٢

شش شد باز دو را در چهار هشت شد بعده جمع کردیم چهار را و شش را
و هشت را هجده شد انرا بر شش قسمت کردیم خارج قسمت سه شد

٣	۴	٢
٢	٣	۴

پس معلوم شد که مرکب در سیوم درجه حار است و هم چنین در مرکب که ادویه او مختلف الوزن باشند مثلاً مرکبی است
که یک دوای او چهار درم است و در دوم درجه حار است و دیگری است که سه درم است و در چهارم
درجه حار است و دیگری است که دو درم است و در سیوم درجه حار است نوشتیم بدین صورت
پس ضرب کردم رقوم تحتانیه را در فوقانیه و حاصلات ضرب را که هشت و دوازده و شش است
جمع کردم بیست و شش گشت بر مجموع اوزان که نه است قسمت کردم خارج قسمت دو صحیح و هشت تسع شد
پس معلوم شد که مرکب حار است در دو درجه و هشت تسع درجه و اگر کسی را درین طریق شبهه باشد
پس مرکبی که درجات ادویه اش مساوی باشد فرض کند و درجه اش استخراج نماید تا شبهه او دفع
شود و باید دانست که اگر ادویه مرکب همه در کیفیت متحد باشند چنانکه همه حار باشند یا بارد پس حاصلات
ضرب را هر چه باشد جمع نموده بر مجموعه اوزان ادویه قسمت کنند حاجت نیست که بر درجات حرارت
یک یک درجات حرارت زیاده فرض کنند و یک درجه برودت اعتبار نمایند و بر دو قسم درجات
را جدا جدا جمع نموده اقل را از اکثر نقصان کنند و باقی را بر مجموع اوزان قسمت کنند چرا که درین
عمل محض اضاعت وقت است و اگر ادویه مرکب در کیفیت متحد نباشند بلکه بعضی حار باشند و بعضی
بارد پس درین صورت حاصلات ضرب حاره را جدا جمع کنند و حاصلات ضرب بارده را جدا
بعد از آن اقل را از اکثر نقصان باقی را بر مجموعه اوزان قسمت کنند و اگر بعض ادویه مرکب
دوای معتدل باشد چون رقم فوقانی ندارد در ضرب نخواهد آمد لیکن در مجموع اوزان واصل معتوم
علیه خواهد شد و چون درجه حرارت یا برودت مرکب استخراج کنند همین روش درجه یبوست یا
رطوبت استخراج کنند والله هو المولی تمام شد نسخه استخراجیه درجات تاریخ دوم محرم الحرام
سنه ۱۲۶۲ هجری در بیت السلطنت لکهنو بخط خام محمد علی انصاری غفر الله عن سیاته اعماله

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله النافع الحکیم العلام و الصلوة زبدة الانبیاء و الاولاد و الائمه و اصحابه الاعظام پوشیده نباشد که این
سطری چند است از صناعت طب و ادله نبض موسوم بر حال ایران که جهت طالبان این فن مرقوم شده بدلایل
النبض موسوم گشته و از و امید بوسیع که مدام منفع گردند از بی چه خاص و چه عام خلق عالم گنند ازین
محفوظ مانند از آفت زمان محفوظ نبض حرکت اثنیه است از اوعیه روح مرکب از انبساط و انقباض